

که وجهه اسرائیل نیز در یک سال گذشته پس از حوادث غزه در سطح افکار عمومی و تا اندازه‌ای میان دولت‌های جهان خیلی آسیب دیده است.

بنابراین یک نقطه قوت وجود دارد و آن اینکه روند «ایران‌هراسی» ضعیف شده اما یک نکته منفی هم شکل گرفته است اینکه به انگاره «ایران ضعیف» بعد از حوادث منطقه و سقوط «اسد» و آسیبی که جبهه مقاومت دیده، دامن زده می‌شود. اسرائیل در این زمینه تنها نیست و شرکای زیادی دارد.

برخی کشورها در منظومه شرق و غرب و در منطقه نیز برخی بازیگران با این انگاره همراهی می‌کنند. بنابراین ما در یک شرایط حساس‌تری نسبت به گذشته قرار داریم. ایران باید با اعتماد به نفس و با بروز یک توانمندی خاص بتواند این تصور را بشکند و موانع پیش رو را بردارد. در واقع، هم تعامل ایران با جهان باید افزایش یابد، هم سیاست خارجی‌اش ابتکارات و فعالیت‌های بیشتری را در پیش گیرد. گاهی اعتماد به نفس پایین و نگرانی باعث اقدام ضعیف یا عدم اقدام می‌شود. ایران نباید اجازه دهد که این دغدغه‌ها و نگرانی‌ها باعث شود که از چرخه توسعه عقب بیفتد و تحریم‌ها تثبیت و «اسنپ‌بک» اجرا شود.

بله؛ ایران در شرایط خاصی قرار گرفته است اما شرایط برای هیچ کشوری در جهان پایدار نیست. فراز و فرود در سیاست، چه داخلی، چه بین‌الملل و منطقه برای همه کشورها وجود دارد؛ برای نمونه ترکیه‌ای که الان خود را پیروز صحنه سوریه تلقی می‌کند، همان کشوری بود که در سال ۲۰۱۱ همه برنامه‌های جلوی چشم جهان شکست خورد و در سوریه ناکام ماند. بعد از آن از جبهه معارضین و حمایت صددرصدی از معارضین شیفیت کرد و خود را وارد گفت‌وگوهای سه جانبه ایران، روسیه و ترکیه نمود؛ یعنی به ایران و روسیه‌ای ملحق شد که در جبهه سوریه پیروز بودند. می‌خواهم بگویم که اهداف یک کشور می‌تواند ثابت اما روش‌ها و تاکتیک‌ها و سیاست متغیر و متفاوت باشد. ایران نباید در دو دام بیفتد: یکی دام تحریم و دیگری دام بی‌اعتمادی و احساس ضعف.

تغییر روش‌ها و تاکتیک‌ها خودش یک شجاعت و جسارت است و یک کشور توانمند می‌تواند به راحتی سیاست‌گذاری‌های خود را بر اساس اهداف بلند مدتش تأمین کند. بخش داخلی آن نیز مهم است که یک وحدت رویه در این زمینه وجود داشته باشد. در این رابطه به نکته اول برگردیم؛ یعنی تأکید و اصراری که آقای دکتر پزشکیان برای

جلوگیری از واگرایی دارند. مقام معظم رهبری در رأس و سیاست‌گذار اصلی در کشور هستند و دیدگاه‌ها و نظرات مشورتی کارشناسان باید به ایشان منتقل شود؛ اما تصمیمی که نهایتاً در کشور گرفته می‌شود باید با جدیت اجرا شود. این نکته‌ای است که آقای دکتر پزشکیان بر آن تأکید می‌کند که راه برون رفت کشور از مشکلات این است که وحدت و همگرایی حفظ شود.

◀ **ایران در مواجهه با سیاست فشار حداکثری ترامپ که مدعی شده با همه ابعاد سعی بر اجرای آن دارد، چگونه امکانی برای مذاکره خواهد یافت؟**

سیاست فشار حداکثری برای ایران سیاست اشتباهی است و تجربه هم شده است. فشار بر ایران نتیجه معکوس می‌دهد و شاید در این زمینه باید به روانشناسی ملت‌ها و کشورها هم توجه کرد. فشار حداکثری باعث مقاومت حداکثری و افزایش بی‌اعتمادی نسبت به طرفها در ایران می‌شود. ایران درباره مواضع اصولی خود جدی است و حاضر نیست که بر اساس فشار و تهدید گفت‌وگو کند. بنابراین، چنانکه اعلام کرده به هیچ وجه از موضع تهدید و فشار مذاکره را نخواهد پذیرفت؛ اگر کشوری خواهان مذاکره است باید با زبان مناسب با ایران گفت‌وگو کند و درخواست خود را مطرح نماید.

اما نکته مهم اینکه مردم ایران باید بیشتر نسبت به سیاست‌های کشور قانع و توجیه شوند. آنها باید احساس کنند که مقاومت کشور به این معنا نیست که می‌خواهند دائم کشور تحت تحریم باشد؛ یعنی باید بین تاکتیک‌ها و راهبردها و روش‌ها و استراتژی‌ها تفکیک ایجاد شود. مردم برای اینکه بیشتر در میدان سیاست و میدان انتخابات بمانند و بیشتر همگرایی خود را با ساختار حفظ کنند،



مردم برای اینکه بیشتر در میدان سیاست و میدان انتخابات بمانند و بیشتر همگرایی خود را با ساختار حفظ کنند، باید اطمینان پیدا کنند که تصمیم دولت و تصمیم حاکمیت رفع تحریم‌هاست، جوانها به آینده کشور امیدوار باشند و اطمینان پیدا کنند که موج عظیم مهاجرت دوباره تداوم پیدا نخواهد کرد

باید اطمینان پیدا کنند که تصمیم دولت و تصمیم حاکمیت رفع تحریم‌هاست، جوانها به آینده کشور امیدوار باشند و اطمینان پیدا کنند که موج عظیم مهاجرت دوباره تداوم پیدا نخواهد کرد. مسأله مهاجرت یک موضوع جدی است و بعضی خیلی ساده‌انگارانه نسبت به آن برخورد می‌کنند. اینکه حدود ۱۰ میلیون جمعیت مهاجر ایرانی در خارج از کشور در یک شرایطی به چند ده میلیون تبدیل شود، با هر عینک و زاویه‌ای که نگاه کنید، به هیچ وجه پدیده خوشایندی نیست. بنابراین، مردم اگر احساس کنند که قرار است در دوره‌ای تاپ‌آوری و مقاومت از خود نشان بدهند، حتماً این کار را خواهند کرد؛ اما باید اطمینان پیدا کنند که راهبرد کشور راهبرد توسعه، خروج از بحران‌ها و حل مشکلات است.

◀ **در پایان پرسشی را مطرح می‌کنم که پاسخ به آن از منظر انعکاس خواست‌ها و مطالبات مردم اهمیت دارد و آن اینکه به نظر شما ایده آل امروز جامعه ایران در عرصه داخلی و جهت‌گیری درست در جهان دیپلماسی چیست؟**

من معتقدم ایده آل مردم همان اهدافی است که در چشم‌انداز ۱۴۰۴ منعکس شده بود. برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله در سال ۱۴۰۴ تمام می‌شود؛ ولی متأسفانه اهداف برنامه تأمین نشده است. شما اگر به این برنامه نگاه کنید متوجه می‌شوید که در این برنامه تصویر زیبایی از شرایط را نشان می‌دهد. جوانانی پرشور و با انگیزه و کشوری با اقتصاد اول در غرب آسیا و الهام‌بخش و خب البته بخش‌هایی از آن امیدها واقعی است و وجود دارد؛ ولی بسیاری از آن اهداف تأمین نشده است؛ یعنی ایران نه تنها بعد از ۲۰ سال به اقتصاد اول غرب آسیا تبدیل نشده بلکه نسبت به همان ۲۰ سال پیش، تولید ناخالص ملی کشور بر اساس ارزیابی‌های بین‌المللی نصف شده است.

بنابراین، تصور می‌کنم اگر همان برنامه را پیش چشم خود بگذاریم باید با توجه به استعداد و بنيه جامعه ایرانی و نعمت‌های خدادادی نشأت گرفته از موقعیت ژئوپلیتیکی کشور امیدوار باشیم تا در نتیجه تلاش، فضایی شکل گیرد که مردم کشور دیگر با دیدن فرودگاه‌های کشورهای همسایه احساس حقارت نکنند، بلکه احساس غرور کنند که صاحب تمدنی کهن و تاریخی سرشار در منطقه و جهان پیشرو هستند. از این رو سیاستگذاران باید ببینند کجای راه را اشتباه رفته‌اند تا در آنها تجدید نظر کنند و یک دورنمای روشن پیش چشم مردم کشور ترسیم کنند. ◀